

کردم (۱۳۶۱)، اولین شب آرامش (۱۳۸۵)، اولین انتخاب (۱۳۹۲) و...

حالا که چی؟

همان‌طور که گفتیم نام، اولین مواجهه مخاطب با اثر است و به همین دلیل در ترغیب او برای پیگیری نقش موثری دارد. نمی‌توان از این مهم گذشت و اگر با سهل‌انگاری نام‌گزینی شود، فرصت‌سوزی رخ داده است. نام اگر در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم باشد، بیشتر در ذهن می‌ماند و همواره شندیش یادآور قصه‌پشت آن می‌شود. شنیده‌اید می‌گویند حتی نام بچه بر سرنوشت و شخصیت او اثرگذار است؟ این نگاه را می‌توان به آثار نمایشی هم داشت. اگر نگاهی به تئاترهای روی صحنه یا آثار کهن بیندازیم، با خلاقیت بیشتری در انتخاب اسامی مواجه می‌شویم. گویا نمایشنامه‌نویسان و سواس بیشتری در گزینش نام به خرج می‌دهند. البته این به معنای آن نیست که در تلویزیون نام‌های ماندگار نداریم. مثلاً «خانه سبز» مثال خوبی در این زمینه است. اسمی که گرچه از یکی از فرمول‌های یادشده پیروی کرده اما کاملاً مطابق قصه و در خدمت مفهوم است. همچنین با شنیدنش حس خوبی به شنونده منتقل می‌شود، همان‌طور که تماشای سریال همین حال و هوا را دارد. پس نام‌هایی که ضمن ارتباط با مضمون همچون یک هدیه در بسته است که مخاطب را برای دیدن و دریافت محتوا قفلک می‌دهد. درباره تئاتر هم که اشاره‌ای به آن داشتیم، کوکوی کبوتر حرم، زبان اصلی، پیرونی با دیکتاتور، خشکسالی و دروغ، مراسم قطع دست در اسپوکن، عشق لرزه و... نام برخی نمایشنامه‌های داخلی و خارجی در سال‌های اخیر است. قالب این نام‌ها با محتوای اثر ارتباط مستقیم دارد و تنها به جذابیت اسمی بسنده نکرده‌اند. شاید برهان این باشد که مدیوم تلویزیون با تئاتر تفاوت بسیار دارد و مخاطبان آن هم معمولاً یکی نیستند. البته که نمی‌توان نام‌هایی مشابه را برای سریالی تلویزیونی با مخاطبان میلیونی و از طیف‌های متفاوت برگزید، ولی سخن این است که می‌توان اولین انتخاب را بهترین ندانست و کمی با مضمون بازی کرد.

خانه مهر (۱۳۸۱)، خانه اجاره‌ای (۱۳۹۰)، خانه‌ای روی تپه (۱۳۹۲) و... که در دهه‌های اخیر روی آنتن رفتند، عنوان «خانه» مشترک است. در بیشتر این سریال‌ها قصه در یک خانه یا باغ می‌گذرد که معمولاً صفا دارد اما محل اختلاف است.

نیم‌نگاهی به چند روش دیگر

می‌توان الگوهای دیگری هم یافت و به عنوان مسیریهای پر استفاده در انتخاب نام آثار نمایشی تلویزیونی از آنها نام برد. در اینجا تعدادی را به تفصیل شرح دادیم و به برخی دیگر اشاره می‌کنیم. مثلاً سریال‌های بانویی دیگر (۱۳۸۲)، بانو (۱۳۸۸)، بانوی عمارت (۱۳۹۷)، بانوی سردار (۱۳۹۸)، مردان طف (۱۳۷۱)، مرد قانون (۱۳۷۴)، مردان جاده (۱۳۷۵)، مردان آنجلس (۱۳۷۷)، مرد هزار چهره (۱۳۸۷)، مرد دو هزار چهره (۱۳۸۸)، مرد نقره‌ای (۱۳۹۱) و... جزو آثاری هستند که در سال‌های متمادی از عنوان زن (بانو) و مرد استفاده کردند. سریال‌هایی هم هستند از واژه سفر و هم خانواده‌های آن برای معرفی خود در قالب نام بهره بردند. برای نمونه: مسافران دره انار (۱۳۷۰)، مسافر (۱۳۷۹)، مسافری ری (۱۳۷۹)، همسفر (۱۳۷۹)، مسافری از اعماق (۱۳۸۰)، مسافر زمان (۱۳۸۲ و ۱۳۸۷)، مسافر پردردسر (۱۳۸۳)، مسافری از گرونگول (۱۳۸۵)، مسافران (۱۳۸۸)، سفر در خانه (۱۳۹۶)، مسافری از هند (۱۳۸۲)، همسفر خورشید (۱۳۹۴) و... روش دیگر واژه‌های پرتکرار اول و آخر و ترکیبات آنهاست. نظیر: آخرین روز تابستان (۱۳۶۸)، آخرین سند (۱۳۷۱)، آخرین مرحله (۱۳۷۴)، آخرن فرصت (۱۳۷۴)، آخرین ستاره شب (۱۳۷۴)، آخرین روزهای شاد بودن (۱۳۸۰)، آخرین گناه (۱۳۸۵)، آخرین دعوت (۱۳۸۷)، آخرین شب (۱۳۸۷)، آخرین غزل (۱۳۸۷)، آخرین ایست بازرسی (۱۳۹۱)، آخرین بازی (۱۳۹۳)، اولین بار که در انقلاب شرکت

ارتباط خانوادگی

سبک اسم‌گذاری دیگری هم تبدیل به تب شده است. با نگاهی به سریال‌های بعد از انقلاب می‌توان رد آنها را با فاصله کم از یکدیگر در دهه ۷۰ تا ۹۰ جست‌وجو کرد. الگویی که از عنوان اعضای خانواده استفاده می‌کند و سعی دارد با این نام‌های آشنا در ذهن مخاطبان بماند و با آنان ارتباط عاطفی برقرار کند. برای مثال بچه‌های مدرسه همت (۱۳۷۶)، بچه‌های بهشت (۱۳۷۷)، بچه‌های خیابان (۱۳۸۲)، بچه‌های هور (۱۳۸۴)، بچه‌های دهکده (۱۳۸۷)، بچه‌های کوچه دوستی (۱۳۸۸)، بچه‌های بهشت (۱۳۸۷)، بچه‌های نسبتاً بد (۱۳۹۲) و بچه مهندس (۱۳۹۷) از این دست مجموعه‌ها بودند که پخش شدند و علاوه بر آنها می‌توان به برادران خورشید (۱۳۷۴)، برادر خواب (۱۳۷۷)، برادر (۱۳۹۵)، برادر جان (۱۳۹۸)، پدر (۱۳۶۸)، پدرسالار (۱۳۷۲)، پدرخوانده (۱۳۷۸)، پدرخاک (۱۳۸۰)، مادر (۱۳۷۷)، ترانه مادری (۱۳۸۷) و مادرانه (۱۳۹۲) اشاره کرد.

یک خانه، یک باغ

در نام سریال‌های باغ گیلان (۱۳۷۲)، باغ بلور (۱۳۸۱)، باغچه مینو (۱۳۸۲)، باغ مظفر (۱۳۸۵)، باغ ستاره (دهه ۷۰)، باغ سرهنگ (۱۳۹۲)، باغ شیشه‌ای (۱۳۸۸) و... فصل مشترک کلمه «باغ» است یا در سریال‌های خانه عروسک‌ها (۱۳۶۰-۱۳۵۸)، خونه مادرزنگه (۱۳۶۶)، خانه من کجاست؟ (۱۳۷۱)، خانه بخت (۱۳۷۱)، خانه در آتش (۱۳۷۳)، این خانه دور است (۱۳۷۴)، خانه عروسک (۱۳۷۴)، خانه به خانه (۱۳۷۵)، خانه سبز (۱۳۷۵)، خانه ما (۱۳۷۶)، خانه خشتی ما (۱۳۷۷)، خانه نیکو (۱۳۷۹)، خانه آرزوها (۱۳۸۰)، خانه‌ای در تاریکی (۱۳۸۲)، خانه به دوش (۱۳۸۳)، خانه پدری (۱۳۸۰)،

شیخ بهایی (۱۳۸۲)، شهریار (۱۳۸۷)، حبیب (۱۳۹۰)، پژمان (۱۳۹۲)، میکائیل (۱۳۹۴)، جلال (۱۳۹۸ و ۱۳۹۹)، باور (۱۴۰۰)، سوران (۱۴۰۲) و... سریال‌هایی هم هستند که نام‌شان با ترکیب نام شخصیت‌های اصلی یا همراه با واژه‌هایی برگرفته از مفهوم قصه ساخته شده است. مثل مش خیرا... صندوقچه اسرار (۱۳۷۲)، رویای نرگس (۱۳۷۴)، حکایت میرزا یحیی (۱۳۷۴)، خاله سارا (۱۳۷۷)، امام علی (۱۳۷۵)، یحیی و گل‌بیتون (۱۳۷۵)، دانی و من (۱۳۷۷)، مجید دل‌بندم (۱۳۷۷)، طفلان مسلم (۱۳۷۸)، یوسف پیامبر (۱۳۸۷)، راز شیوا (۱۳۸۰)، تی تی و بچه خرسی (۱۳۸۹)، مختارنامه (۱۳۸۹)، دختری به نام آهو (۱۳۹۰)، تا ثریا (۱۳۹۰)، ماتادور (۱۳۹۲)، آوای باران (۱۳۹۲)، حکایت‌های کمال (۱۳۹۸)، دخترم نرگس (۱۳۹۹) و... به هر حال این سبک از نام‌گذاری مخصوصاً اگر تنها براساس نام شخصیت اصلی باشد، روشی قدیمی است که اگر چه به راحتی در ذهن می‌ماند اما سایر ویژگی‌های جذابیت برای نام به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تبلیغات را ندارد. البته اگر با ترکیب مفهومی همراه شود، نتایج بهتری دارد که در بالا به برخی از این موارد اشاره کردیم.



برای هر داستان باید واکاوی صورت بگیرد تا در نهایت اسمی انتخاب شود که بتواند مخاطب را جذب کند تا جایی که بیننده با شنیدن نام آن کنجکاو شود در این اثر چه خبر است و به تماشای آن بنشیند.

وی می‌گوید: گاهی در این بین موجی به راه می‌افتد و سریال‌ها مدام سراغ یک قالب مشخص می‌روند. این موضوع در مورد داستان‌ها و فضای کارها هم وجود دارد؛ مثلاً در مقطعی سریال‌ها بیشتر معمایی می‌شود، گاهی مدام مجموعه‌های عاشقانه می‌بینیم و موارد مختلفی که در هر زمانی به شکلی پیش می‌رود. این اتفاق تحت‌تاثیر سلیقه مخاطب و آنچه از آن به عنوان سلیقه روز یاد می‌شود، رخ می‌دهد؛ موضوعی که معمولاً مقداری تابع سلیقه سینما هم هست؛ چرا که سینما با وجود همه تفاوت‌هایی که با تلویزیون دارد، اغلب در پیشروی با نگاه روز جلوتر است.

همان‌طور که می‌بینید، مدتی در این دو رسانه داستان‌های پیچیده مد می‌شود و گاهی فضای اجتماعی متناسب با حال و هوای مردم. به هر حال

